به مناسبت سالروز صلح امام حسن مجتبی (ع) در گفت‌وگو با پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی تبیین شد

صلحی برای بقای اسلام

۲

دومین نشست دانش‌افزایی با موضوع تحلیل اغتشاشات اخیر برگزار شد

دست بیگانه

دومین نشست دانش‌افزایی اعضای هیئت علمی و استادان مدعو دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع) در سال ۱۴۰۱ با موضوع بررسی تحلیلی اغتشاشات اخیر برگزار شد.به دنبال بروز حوادث اخیر در کشور و ضرورت افزایش آگاهی‌های جامعه دانشگاهی با منشأ و ماهیت این رویدادها و اغتشاشات، دومین نشست دانش‌افزایی استادان دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع) با موضوع «دست بیگانه، تحلیلی پیرامون حوادث اخیر و نقش‌آفرینی استادان دانشگاه در جهاد تبیین» در سالن شهید سلیمانی دانشگاه و با حضور بیش از ۱۵۰نفر از اعضای هیئت علمی و استادان دانشگاه برگزار شد.در ابتدای این نشست، دکتر نجارزاده، مدیرکل حراست سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی ضمن تشریح ...

۲

رواق

ویژه‌فرهنگ‌ومعارف‌رضوی

| سال دوم | ویژه نامه ۴۶۱ |

نکته‌ها/حضرت امام خمینی(ره)

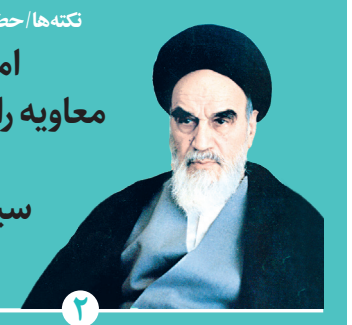

امام حسن (ع) معاویه را مفتضح کرد همان‌قدر که سیدالشهدا (ع) یزید را

۲

زاویه دید

درس‌های نرمش قهرمانانه امام حسن (ع) برای دوران معاصر

۳

نیم‌نگاه

مظلومیت امام حسن مجتبی (ع) نتیجه مغالطه در مورد حسنین (ع)

۲

گزارشی از یک مسجد بسیار قدیمی و فراموش شده در اطراف حرم رضوی

حقایقی درباره مسجد «قتلگاه»

محمدحسین نیکبخت | قبرستان قتلگاه احتمالاً قدیمی‌ترین قبرستان شهر مشهد بوده که بیرون از اماکن متبرکه و در ضلع شمالی حرم رضوی قرار داشت. بخش‌های مهمی از قبرستان قتلگاه، اواخر دهه ۱۳۰۰شمسی به منظور ایجاد فلکه شمالی و محدوده ورودی خیابان طبرسی فعلی تسطیح شد و از بین رفت. اما نام آن در اسناد بر جا مانده از دوره‌های مختلف و همین طور متون تاریخی، باقی مانده است. یکی از نکاتی که در بررسی این قبرستان قدیمی قابل بررسی و مطالعه به نظر می‌رسد، زیرساخت‌ها و مکان‌های خاصی است که از قدیم‌الایام در آن وجود داشت و به تدریج از میان رفت و از حافظه تاریخی بیشتر مردم مشهد هم پاک شد. تا آنجا که جوان‌ترها، قبرستان قتلگاه را تنها مکانی برای دفن اموات پنداشته‌اند که به دلیل نزدیکی به حرم مطهر از احترام و توجه ویژه‌ای برخوردار بوده است اما مرور اسناد و مدارک، چیز دیگری نشان می‌دهد و معلوم می‌کند قبرستان قتلگاه محل قرار گرفتن مکان‌هایی خاص بود که طی تاریخی طولانی و شاید هزار ساله، در قالب روایت‌های عُرفی و تاریخ شفاهی، اقبال و احترام پیدا کرده بود؛ مکان‌هایی مانند «مسجد قتلگاه» که شهرت داشت محل عبادت و نماز خواندن امام رضا(ع) بوده است یا «تکیه غُسلگاه» که برخی آن را محل غسل دادن پیکر مطهر ثامن‌الحجج(ع) می‌دانستند. در رواق امروز می‌خواهیم با هم درباره سوابق تاریخی «مسجد قتلگاه» و اسناد مربوط به آن صحبت و بحث درباره دیگر مکان‌های تاریخی مرتبط با قبرستان قتلگاه را به فرصت دیگری موکول کنیم.

■ تاریخ چه می‌گوید؟

گزارش‌های مربوط به وجود مسجد در قبرستان قتلگاه در متون تاریخی قرن‌های پنجم و ششم هجری به چشم می‌خورد. علی بن زید بیهقی مشهور به «ابن‌فندق» (درگذشته ۵۶۵قمری) در کتاب «تاریخ بیهق»، ضمن روایت سرگذشت شیخ طبرسی و فوت وی در سال ۵۴۸قمری و دفن او در قبرستان قتلگاه، به نام «مسجد قتلگاه» اشاره می‌کند و می‌نویسد: «ایشان (طبرسی) در مشهد سناباد طوس متوطّن بوده‌اند و مرقد او آنجاست بِقُربِ مسجد قتلگاه و از اقارب نقبای آل‌زباره بوده‌اند». مسجد قتلگاه همان مسجدی است که شهرت داشت ثامن‌الحجج(ع) در آن نماز اقامه کرده‌اند. منشی قمی در «خلاصه التواریخ» از این مکان به عنوان یک مکان زیارتی در مشهدِ عصر صفویه نام می‌برد. کتیبه‌ای از این مسجد قدیمی به خط علیرضا عباسی در خزانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود که ظاهراً بر خارج دیوار غربی این مسجد نصب بوده است. مطابق این کتیبه، مهدی‌قلی بیگ (احتمالاً بانی حمام مشهور مهدی‌قلی بیگ در بازار فرش مشهد) در سال ۱۰۱۱قمری و در عهد شاه‌عباس یکم صفوی، این مسجد را تعمیر کرد. مسجد امام رضا(ع) در سال ۱۰۸۴قمری و در پی زلزله شدیدی که در قسمت‌های قبل رواق، به خسارت‌ها و آسیب‌های آن اشاراتی داشتیم، تخریب شد. اعتمادالسلطنه در کتاب «مطلع‌الشمس» از کتیبه‌ای دیگر سخن می‌گوید که در آن به تعمیر اساسی مسجد به همت محمدصادق ناظر آستانه در سال ۱۰۸۵قمری یعنی یک سال پس از وقوع زلزله اشاره شده است. این مسجد قدیمی در توسعه بافت اطراف حرم در سال ۱۳۰۷شمسی در حاشیه کوچه «حاج‌آقاجان» قرار گرفت اما در توسعه حریم حرم، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در راستای تأمین فضای مورد نیاز برای زائران حرم رضوی تخریب شد.

■ نگاهی به یک سند قدیمی

درباره گزارش مربوط به عبادت امام رضا(ع) در این مسجد، هیچ مستند تاریخی‌ای وجود ندارد و به نظر می‌رسد بنای اعتبار این روایت، متکی به برخی گزارش‌های شفاهی و داستان‌های عامیانه باشد. نام مسجد همان طور که در گزارش علی بن زید بیهقی خواندید، در قرن‌های پنجم و ششم هجری، «قتلگاه» بود که با نام قبرستان هم تطبیق داشت اما مستندات دوره‌های بعد، از تغییر نام این مسجد در دوره صفویه خبر می‌دهند. طبق محتوای سند شماره ۳۳۳۴۸/۴ مرکز اسناد آستان قدس رضوی که باید آن را قدیمی‌ترین سند درباره مسجد قرار گرفته در قبرستان قتلگاه بدانیم، نام مسجد در این دوره «مسجد امام(ع)» بوده است. در این سند، مکان حدودی مسجد نسبت به قبرستان قتلگاه نیز معلوم شده؛ «جهت مسجد واقع در جنب قبرستان مبارک مشهور به مسجد امام علیه‌السلام». در این سند به تأمین روغن چراغ برای روشنایی مسجد اشاره شده است: «۳۶۶ لَیل(شب)، هر لَیلی سه سیر (واحد وزن، هر سیر ۷۵ گرم) [روغن. جمع:]۲۷ مَن (مَن: واحد وزن، هر مَن سه کیلوگرم) و ۱۸ سیر». به این ترتیب، در مسجد امام رضا(ع) سالانه بیش از ۸۱ و نیم کیلوگرم روغن برای تأمین روشنایی شبانه استفاده می‌شده است.

گویده

مسجد قتلگاه همان مسجدی است که شهرت داشت ثامن‌الحجج(ع) در آن نماز اقامه کرده‌اند. منشی قمی در «خلاصه التواریخ» از این مکان به عنوان یک مکان زیارتی در مشهد عصر صفویه نام می‌برد. کتیبه‌ای از این مسجد قدیمی به خط علیرضا عباسی در خزانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

در حرم

آغاز زندگی زوج تانزانیایی در حرم مطهر رضوی

دو جوان تانزانیایی ارادتمند به حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، زندگی مشترکشان را در حرم مطهر رضوی آغاز کردند.

در مراسمی که به همت معاونت امور بین‌الملل سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی برگزار شد، یک زوج از کشور تانزانیا زندگی مشترک خود را در رواق دارالرحمه حرم مطهر رضوی آغاز کردند.

محمد تقی هدی، داماد تانزانیایی در گفت‌وگو با آستان‌نیوز ضمن بیان احساسات خود از حضور در بارگاه منور رضوی گفت: از اینکه یک بار دیگر توفیق شد در این فضای روحانی قرار بگیریم بسیار احساس خوبی دارم.

وی همچنین به انگیزه آغاز زندگی مشترکش در حرم مطهر رضوی اشاره کرد و افزود: معتقدم ازدواج امری مقدس است و اگر در مکانی مقدس اتفاق بیفتد، اتفاق‌های بسیار خوبی رقم خواهد خورد. محمد تقی تصریح کرد: خواسته من از امام رضا(ع) این است که تا آخرین لحظه در کنار همسرم زندگی کنم و عنایت‌های حضرت همواره شامل حال ما باشد.

زینب صبور، نوعروس تانزانیایی نیز در این گفت‌وگو تصریح کرد: پنج سال پیش برای زیارت به حرم امام رضا(ع) مشرف شدم و از آنجایی که شنیده بودم امام رضا(ع) حاجت‌های زائران خود را برآورده می‌کنند، از ایشان خواستم ازدواج موفقی داشته باشم و آرزو کردم جشن ازدواجم در حرم مطهر برگزار شود، امروز به آرزویم رسیدم و از این بابت خدا را شاکرم. از امام رضا(ع) درخواست کردم همه جوانان خوشبخت شوند و زندگی خوبی داشته باشند، همچنین دعا کردم دوباره توفیق زیارت این امام همام نصیب و روزی‌ام شود.

منبرمجازی

اندیشیدن...اندیشیدن

حجت‌الاسلام فرحزاد | یکی از راهکارهای معرفت نفس تفکر است که واقعاً ما از آن غافل هستیم. یعنی اگر تفکر باشد، همه چیز هست و اگر تفکر برود، همه چیز قاطی می‌شود. بعضی‌ها اول فکر می‌کنند، بعد حرف می‌زنند یا کاری انجام می‌دهند، بعضی‌ها اول حرف می‌زنند یا کاری انجام می‌دهند و بعد می‌گویند این چه کاری بود کردیم، بعد فکر می‌کنند! در نهج‌البلاغه هم هست که «لسان العاقل وراء عقله» یعنی آدم عاقل اول عقل و فکر و اندیشه‌اش را به کار می‌گیرد، بعد حرف می‌آید. احمق برعکس است؛ اول حرف می‌زند، بعد فکر می‌کند. باز از این احمق‌تر کسی است که بعدش هم فکر نمی‌کند. این دیگر احمق الحمقاء است. یک روایت بسیار خوبی هست، از این روایت‌های ریز ناب و پرمایه است. جوانی خدمت پیغمبر(ص) آمد... عرض کرد: یا رسول‌الله، چیزی به من یاد بده. حضرت فرمودند: اگر به تو یاد بدهم، عمل می‌کنی یا نمی‌کنی؟ عرض کرد: عمل می‌کنم. دوباره فرمودند: اگر به تو بگویم، عمل می‌کنی؟ عرض کرد: بله. سه باره فرمودند: اگر به تو بگویم، عمل می‌کنی؟ عرض کرد: بله. ما چنین موردی کم داریم که حضرت سه بار قول و پیمان بگیرد و محکمش کند... واقعاً اگر همه عالم همین یک چیز را سرلوحه زندگی خود قرار بدهند، بنده می‌گویم اصلاً صلح کامل می‌شود، می‌شود ظهور امام زمان(عج). حضرت فرمودند: «إِذَا هَمَمْتَ بِشَيءٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ» ... هر برنامه‌ریزی و هر کاری که می‌کنی، پایانش را نگاه کن. این شغل را می‌خواهی انتخاب بکنی، این شعار را می‌خواهی بدهی، این حرف را می‌خواهی بزنی، این پیام را می‌خواهی بفرستی، این تلفن را می‌خواهی بزنی، این ازدواج، انجامش، ترکش، طلاقش، این حرفی که می‌خواهی بزنی... .

یعنی اول اندیشیدن، اندیشیدن یعنی عقلانیت که در دین ما اهمیت زیادی دارد... اصلاً در اصول کافی اول باب عقل و جهل است. در مقابل عقل هم جهل است، یعنی هیچ چیزی نفهمیدن. چرا ما از این چراغمان استفاده نمی‌کنیم؟ هزار کار خلاف می‌کنیم، بعد فکر می‌کنیم که بخواهیم جبران کنیم. حتی وقتی می‌خواهی گناه کنی، عواقب آن را نگاه کن. من این گناه را می‌کنم، زیر پای کسی را خالی می‌کنم، این غیبت را می‌کنم، این تهمت را می‌زنم، چه آثاری دارد؟ اگر آثارش را می‌توانی تحمل کنی، می‌توانی به جهنم بروی، خوب برو، انجام بده. ولی وقتی می‌بینی نمی‌شود... ببین می‌توانی از این چاله بیرون بیایی، برو. اگر نمی‌توانی، نرو. در هر کاری، آیا این وام را می‌توانی پس بدهی؟ از پس این معامله سنگین می‌توانی بربیایی؟ این حدیث بسیار ناب و زیباست. پیغمبر(ص) ما فرمودند: من از فقر برای شما نمی‌ترسم، نمی‌ترسم که بی‌پول و فقیر بشوید. از اینکه تدبیر در زندگی و اقتصادتان ندارید، می‌ترسم.

نیمکت زندگی

و عاقبتی که به خیر شد

رقیه توسلی | آلبوم‌ها را زیرورو می‌کند. هر چه می‌گردد، پیدا نمی‌شود. بالاخره رضایت می‌دهد شاید جای دیگری گذاشته و خودش را مشغول می‌کند به عینکش. پَر روسری آبی‌اش را می‌کشد روی شیشه‌ها. نگفته می‌دانم مادرم روی خاطره‌ای زوم کرده.

می‌گوید: «فروغ می‌ترسید. تقریباً از همه چیز. از پُل، از ساتور، پارس سگ، رعدوبرق، تاریکی، صدای اره، غذای رستوران... همیشه استرس داشت. من ندیدم یک روز بی‌هول و ولا زندگی کند... ادا درنمی‌آورد، واقعاً از دوروبرش می‌ترسید. از عالم و آدم. از بی‌پولی، از تنهایی، ورشکستگی، تصادف، آلزایمر، پیری، بیکاری ... هر چه هم می‌گذشت بدتر می‌شد... پسرش که دنیا آمد ترس‌های فروغ چند برابر شد. انگار تصمیم گرفت دیگر برای دو نفر بترسد».

آبپاش را می‌گیرم زیر شیر. می‌خواهم به گلدان‌ها برسم و برگ‌ها را با دستمالِ تَر پاک کنم. هیچ کدامشان سر کیف نیستند. سبز نیستند. برق نمی‌زنند. مادرم آلبوها را سُر می‌دهد توی کشو و ادامه می‌دهد: «خیلی سال است بی‌خبرم از او. تا جایی در جریانم که شوهر خدابیامرزش آقاسهراب کاری کرد که نجات پیدا کند. اصلاً فروغ را از نو ساخت. نجاتش داد. عوض شد. شد فروغ باجرئت، فروغ بااستدلال. این قدر که ترس‌هایش را برداشت به قول خودش یک روز از «پل خواجو» ریخت پایین. صد و هشتاد درجه چرخید شکر خدا. بعد از اینکه ازدواج کرد و رفت اصفهان، مسیر زندگی‌اش تغییر کرد. یادم می‌آید آخرین بار یک‌ریز به خودش می‌خندید و می‌گفت؛ بالاخره درباره ترس‌های مزخرفم کتاب می‌نویسم. اسمشم میذارم سال‌های سیاه. می‌گفت می‌نویسم خدا خیلی بزرگ‌تر از ترس‌ها و دردهای آدمیزاده».

به گلدان‌ها نگاه می‌کنم. شباهتی به گلدان‌های یک ساعت پیش ندارند. همه‌شان شکل «خاله‌فروغ» شده‌اند؛ خندان، نونوار، زیبا... .

پی‌نوشت

پیامبر اکرم(ص): خداوند بسیاری از خوبی‌ها را به بنده‌اش نمی‌دهد و می‌فرماید: «به او نمی‌دهم تا از من بخواهد».

نشست

دومین نشست دانش‌افزایی اعضای هیئت علمی و استادان مدعو دانشگاه در جهاد تبیین» در سالن شهید سلیمانی دانشگاه با حضور بیش از ۱۵۰ نفر از اعضای هیئت علمی و استادان دانشگاه برگزار شد.

در ابتدای این نشست، دکتر نجارزاده، مدیرکل حراست سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی ضمن تشریح سابقه اغتشاشات در کشور و اقدامات تشکیلاتی که

دومین نشست دانش‌افزایی با موضوع تحلیل اغتشاشات اخیر برگزار شد

دست بیگانه

بیگانه، تحلیلی پیرامون حوادث اخیر و نقش آفرینی استادان دانشگاه در جهاد تبیین» در سالن شهید سلیمانی دانشگاه با حضور بیش از ۱۵۰ نفر از اعضای هیئت علمی و استادان دانشگاه برگزار شد.

در ابتدای این نشست، دکتر نجارزاده، مدیرکل حراست سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی ضمن تشریح سابقه اغتشاشات در کشور و اقدامات تشکیلاتی که کشورهای بیگانه به‌ویژه دستگاه‌های جاسوسی و خرابکاری آمریکا، رژیم صهیونیستی و انگلستان به منظور ایجاد، حمایت و تداوم اغتشاشات و آشوبگری‌ها در کشورمان به انجام رسانده‌اند، گفت: امروز راهبرد دشمن، تمرکز بر اغتشاشات نقطه‌ای با توجه به مسائل حساسیت‌آفرین مانند قومیت، مذهب، ملکیت و از این قبیل است. دانشگاه‌ها و به‌تازگی مدرسه‌ها نیز یکی از نقاط هدف‌گیری شده است و تلاش می‌کنند از ناآگاهی و هیجانات نسل جدید برای ضربه به کشور و انقلاب استفاده کنند.

دکتر محمدباقر خرمشاد، استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان دیگر سخنران، ابتدا به بیان خصوصیات ویژگی‌های نسل جدید که به نسل «زد»، «یا» و «زی» معروف شده پرداخت و هیجان‌طلبی و هویت‌جویی، تحت تأثیر فضای مجازی و رسانه‌های گوناگون را از خصوصیات این نسل عنوان کرد.

وی افزود: در اغتشاشات اخیر، دشمنان و رسانه‌های آن‌ها بر قشر جوان به‌ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان تمرکز کرده و تلاش می‌کنند با ایجاد هیجانات در نسل جدید، هدایت و راهبری آنان را در دست بگیرند. خرمشاد در ادامه با ذکر نمونه‌هایی تاریخی از اعتراضات گوناگون در سراسر دنیا، حوادث اخیر را نمونه‌ای بارز از حضور رسانه‌ی و رسانه‌های غربی را با نشان دادن واقعیات، خنثی کنند.

شایان ذکر است، در ابتدای این نشست، دکتر مهدی اصفهانی، معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه در سخنان کوتاهی ضمن عرض خیرمقدم و تشکر از حاضران، تأکید کرد: برگزاری مستمر دوره‌های دانش‌افزایی و استفاده از ظرفیت استادان برای گفت‌وگو، تعامل و کمک به رفع مشکلات موجود، در دستور کار دانشگاه قرار دارد.

میدانی دست بیگانه و موج‌سواری با استفاده از احساسات و هیجانات نسل جوان بیان و وظیفه استادان دانشگاه در شرایط کنونی را شناخت بیشتر ویژگی‌های این نسل و آگاه‌سازی آنان درباره حضور بیگانگان و عواقب و نتایج همراهی با خواست و برنامه‌های آنان مبتنی بر جهاد تبیین ذکر کرد. وی ادامه داد: این اتفاق باید در تمامی بخش‌های مسئول و مرتبط با نسل جدید رخ دهد و تبلیغات مسموم

دست بیگانه

تحلیلی پیرامون حوادث اخیر و نقش‌آفرینی استادان در جهاد تبیین

نکته‌ها

حضرت امام خمینی (ره)

امام حسن(ع) معاویه را مفتضح کرد، همان‌قدر که سیدالشهدا(ع) یزید را!

مهم‌ترین حادثه در زندگی امام حسن(ع) جریان صلح ایشان با معاویه است. تحلیل این حادثه ضروری به نظر می‌رسد زیرا خود امام، صلحش را حجتی بر آیندگان می‌داند؛ یعنی بر اساس عملکرد حضرت، وظیفه انسان نیز در شرایط مشابه با آن، صلح و مصالحه است. صلح از حضرت در حقیقت انقلاب سبزی بود که زمینه انقلاب سرخ حسینی را فراهم کرد و این نرمش قهرمانانه در کنار آن جنبش بنیان‌گذار جمهوری اسلامی نیز در سخنانشان به علل و پیامدهای صلح امام حسن(ع) اشاره کرده‌اند که در ذیل نمونه‌های آن آمده است.

به این ترتیب، اسلام ناب محمدی که در تشیع جلوه‌گر بود، نهال خود را آبیاری و به درخت تنومندی تبدیل کرد.

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی نیز در سخنانشان به علل و پیامدهای صلح امام حسن(ع) اشاره کرده‌اند که در ذیل نمونه‌های آن آمده است.

معاویه یک سلطان بود در آن وقت؛ حضرت امام حسن(ع) بر خلاف قیام کرد در صورتی که آن وقت همه با آن مردک بیعت کرده بودند و سلطان حسابش می‌کردند. حضرت امام حسن آن وقتی که آن مردک را نداشت، اصحابی که توجه نداشتند امام زمانشان روی چه نقشه‌ای دارد عمل می‌کند، با خیال‌های کوچکشان، با افکار ناقصشان در مقابلش می‌ایستادند و غارت و آذیتش کردند و - عرض می‌کنم که -شکستش دادند، معاهده با دشمنش کردند و هزار جور بساط درست کردند. (صحیفه امام، ج۹، ص۳۰)

بعد از اینکه صلح کردند، به حسب روایت، به حسب نقل، معاویه به منبر رفت و گفت تمام حرف‌هایی که گفتم، من قرار دادم زیر پایم؛ مثل پاره کردن این مردیکه [اشاره به عمل صدام و پاره کردن قرارداد الجزایر] آن قرارداد را.

آن صلح تحمیلی که در عصر امام حسن واقع شد، آن حکمیت تحمیلی که در زمان امیرالمؤمنین واقع شد و هر دویش به دست اشخاص حیله گر درست شد. (صحیفه امام، ج۲۰، ص۱۱۹)

امامت، ریشه بالنده اسلام و شاخه برافراشته آن است.

هر که بمیرد و در فرمان امام نباشد به مرگ جاهلی مرده است.

نیم‌نگاه

مظلومیت امام حسن مجتبی(ع) نتیجه مغالطه در مورد حسنین(ع)

حجت‌الاسلام وطن‌دوست نگاه اشتباه به ماجرای صلح امام حسن(ع) را از دلایل مظلومیت امام حسن(ع) برشمرده و می‌گوید: از دلایل مظلومیت و غریب بودن امام حسن مجتبی(ع) مقایسه بین رفتار و سیره عملی آن حضرت و برادر بزرگوارش حضرت سیدالشهدا امام حسین(ع) است. یک مغلطه تاریخی وجود دارد و بعضی‌ها دانسته یا ندانسته، مغرضانه، عالمانه و عامدانه یا از روی جهل و بی‌اطلاعی، چنین می‌پندارند که نعوذبالله، حضرت امام حسن مجتبی(ع) فردی فقط صلح‌طلب و امام حسین(ع) شخصی فقط جنگجو و طالب جنگ و نبرد بوده است.

در صورتی که چنین پندار و عقیده‌ای درست نیست، بلکه مطابق آموزه‌های اسلامی و آنچه در تاریخ اسلام نقل شده و براساس آنچه از موضوع جنگ و صلح بیان شد، هم وجود مقدس امام حسن(ع) و هم وجود گرامی برادرشان امام حسین(ع)، به جنگ و صلح در سیره عملی و زندگی مبارک خود پرداخته‌اند. امام حسن(ع) در دوران حدود ۱۰ سال امامت خود با توجه به شرایط موجود، ابتدا به قیام و نبرد با معویان و دشمنان دین اسلام پرداختند و در نهایت به قبول صلح و انعقاد صلح‌نامه رسیدند.

پس از شهادت امام حسن مجتبی(ع)، مطابق دستورات الهی، امامت جامعه اسلامی به امام حسین(ع) می‌رسد و ایشان هم برمبنای صلح‌نامه‌ای که برادر بزرگوارش در زمان حیات مبارکش با معاویه امضا کرده بود، به این صلح‌نامه پایبند بودند و پس از مرگ معاویه و روی کارآمدن فرزندش یزید ملعون، امام حسین(ع) راه نجات اسلام و مسلمین از تباهی و گمراهی را در قیام در برابر حکومت یزیدی و اموی دانستند و دست به قیام عاشورا زدند. بنابراین وجود مقدس امام حسن مجتبی(ع) و امام حسین(ع) هر دو نفر با توجه به شرایط زمان و در نظر گرفتن مصلحت اسلام و مسلمین و انجام تکلیف الهی به جنگ و صلح پرداخته‌اند.

به مناسبت سالروز صلح امام حسن مجتبی(ع) در گفت‌وگو با پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی تبیین شد

صلحی برای بقای اسلام

محمدحسین مروج| درباره صلح امام حسن مجتبی(ع) با معاویه بن ابی‌سفیان در سال ۴۱ هجری قمری، در متون تاریخی سخن بسیار به میان آمده است.

آنچه در پذیرش صلح از سوی آن امام معصوم(ع) مورد تأکید و توجه قرار گرفت انجام تکلیف الهی برای حفظ اساس اسلام و مصلحت جامعه مسلمین بود، اقدام امام حسن(ع) در پذیرش صلح، به عنوان «باشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ» یادمی‌شود که موجب حفاظت از شریعت ناب اسلامی و جلوگیری از نابود شدن جامعه اسلامی در برابر توطئه‌های خاندان ابوسفیان، خوارج، دشمنان اسلام ناب محمدی(ص) و... شد.

به مناسبت ۲۶ ربیع‌الاول، سالروز صلح امام حسن مجتبی(ع)، در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین رضا وطن‌دوست، مدرس حوزه و دانشگاه و پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی به تبیین ابعاد گوناگون این موضوع پرداختیم که برش‌هایی از آن را در ادامه می‌خوانید.

■ چه شرایط و عللی برای صلح امام حسن مجتبی(ع) در آن زمان وجود داشت؟

وجود مقدس حضرت امام حسن مجتبی(ع) پس از شهادت امیرالمؤمنین علی(ع) به مقام امامت جامعه اسلامی رسیدند. ایشان پس از گذشت دو ماه با ارسال نامه‌ای رسمی برای معاویه، از وی خواستند به عنوان یک شهروند در نظام اسلامی با امام معصوم و رهبر جامعه اسلامی و وصی و خلیفه بحق رسول خدا(ص) بیعت کند، اما متأسفانه معاویه از قبول دستور استنکاف و نافرمانی کرد و به جای تبعیت و پیروی از اوامر ایشان، سپاهی را از سوی شام برای مقابله و نبرد با امام حسن(ع) به سمت کوفه، مرکز حکومت اسلامی در آن زمان، فرستاد. امام حسن مجتبی(ع) هم در پی این اقدام معاویه، لشکر و سپاه اسلام در منطقه عراق را همراه با ۱۲ هزار مرد جنگی به فرماندهی شخصی به نام عبیدالله بن عباس راهی جنگ با معاویه کرد و لشکریان امام حسن(ع) تا منطقه ساباط مدائن نیز پیشروی کردند. اما پس از ماجراجایی و بررسی مقتضیات زمان و شرایط موجود و به‌منظور حفظ اساس اسلام و مصلحت جامعه اسلامی، تصمیم امام حسن(ع) منجر به ترجیح صلح بر جنگ و برقراری صلح با معاویه و امضای صلح‌نامه شد.

■ به طور مشخص چه دلایلی را می‌توان مطرح کرد؟

برای این صلح، چندین علت را می‌توان بیان کرد که هر یک از آن‌ها در کتاب‌ها و سوابق تاریخی جهان اسلام هم به‌طور جداگانه بیان شده است. نخستین دلیل، «حفظ جان خود امام حسن مجتبی(ع) و شیعیان ایشان» است. در بررسی یاران و شیعیان اطراف امام حسن مجتبی(ع) در سوابق تاریخی با این مطلب مواجه می‌شویم که شیعیان خاص حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب(ع) در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان به شهادت رسیده و گروهی اندک از آنان باقی مانده بودند و اگر جنگی به وقوع می‌پیوست، با توجه به ضعف‌های مردم عراق، بی‌شک امام حسن(ع) و شیعیانشان باید خسارات جبران‌ناپذیری را تحمل می‌کردند، زیرا در این صورت معاویه آنان را به‌شدت سرکوب می‌کرد و در برخی از سخنانی که از آن امام معصوم باقی مانده، به این دلیل اشاره شده است. البته در یک تعبیر درست و ظریف، برخی از بزرگان وعلمای دینی و اسلامی

طرح از: سکاکیان پراگ

مورخان منصف تاریخ اسلام، صلح امام حسن مجتبی(ع) را عاملی برای حفظ جان شیعیان و یاران خاصی دانستند که باقی و زنده ماندند تا حضرت سیدالشهدا امام حسین(ع) را در قیام عاشورا و نهضت کربلا یاری رسانند.

و مورخان منصف تاریخ اسلام، صلح امام حسن مجتبی(ع) را عاملی برای حفظ جان شیعیان و یاران خاصی دانستند که باقی و زنده ماندند تا حضرت سیدالشهدا امام حسین(ع) را در قیام عاشورا و نهضت کربلا یاری رسانند.

زاویه دید

درس‌های نرمش قهرمانانه امام حسن(ع) برای دوران معاصر

حجت‌الاسلام وطن‌دوست در خصوص اطلاق «باشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ» به صلح امام حسن مجتبی(ع) می‌گوید: همه مسلمانان و مؤمنان و به‌ویژه افرادی که در مناصب مختلف حاکمیتی و حکمرانی، اجتماعی، سیاسی و مدیریتی، مسئولیت و پست و مقامی دارند می‌توانند از رفتار و سنت و سیره علمی و عملی پیامبر اسلام(ص) و حضرات معصومین(ع) در برخورد با دوستان و دشمنان جامعه اسلامی، الگو گرفته و به آن بزرگواران تأسی کرده و از آنان پیروی کنند.

مصلحت اندیشی برای حفظ اساس دین مبین اسلام و عاقبت‌اندیشی برای سرنوشت مسلمانان و جامعه اسلامی براساس پیروی از دستورات دین اسلام و تبعیت از سنت و سیره حضرات معصومین(ع) امری بسیار حساس، مهم و سرنوشت‌ساز است.

بنابراین انتخاب نوع رفتار و عمل در موضوعاتی مانند جنگ و نبرد، مقاومت، مذاکره، صلح و... باید با سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» جامعه اسلامی همراه باشد.

امروزه سوابق تاریخی و برخورد با دشمنان اسلام و مسلمین نشان داده تنها راه مقابله با زیاده‌خواهی‌ها و زورگویی‌های دشمنان اسلام، مقاومت سرافرازانه و شجاعانه در مقابل تهدیدها و خواست آنان است. کوتاه آمدن در برابر دشمنان و تسلیم خواست آنان شدن، خفت و خواری و تباهی جامعه اسلامی را دربرخواهد داشت. دشمنان اسلام و مسلمین نمی‌توانند سرافرازی و عزت جامعه اسلامی را تحمل کنند و از طرف دیگر با حرکت‌ها و سیاست‌های مودبانه و تفرقه‌افکنی، هدف پلید خود یعنی مسلط شدن بر سرنوشت جوامع اسلامی را دنبال می‌کنند.

پس ما براساس دستورات اسلام، آموزه‌های دینی و سنت و سیره حضرات معصومین(ع) و فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر نرمش قهرمانانه و با در نظر گرفتن شرایط و مصلحت اسلام، مسلمانان و جامعه اسلامی، باید همراه با عزتمندی، اقتدار، قوت، تدبیر و درایت با موضوعاتی مانند جنگ و نبرد، مذاکره و گفت‌وگو، صلح و... برخورد کنیم.

■ از دیگر مواردی که در خصوص صلح امام حسن(ع) کمتر به آن پرداخته شده، مقوله خوارج است. آن‌ها چه نقشی در تحمیل این صلح به امام حسن(ع) داشتند؟

در این خصوص می‌توان به نامتوازن بودن لشکر امام حسن(ع)، به عنوان دلیل دیگری برای صلح اشاره کرد. سپاه امام(ع) از گروه‌های مختلف عقیدتی و از نژادها و زبان‌های مختلف تشکیل شده بود، حتی برخی از خوارج هم در میان نیروهای امام(ع) حضور داشتند و این خود از دلایل آسیب‌پذیری این سپاه به شمار می‌رفت، یعنی لشکر امام(ع) از یک انسجام و وحدت و اتحاد عقیدتی و عملی جامع و کاملی برخوردار نبود. بنابراین چنین لشکری که ناهماهنگ و نامتوازن بود، تاب مقاومت و نبرد در برابر معاویه و سپاهیانش را نداشت. همان‌طور که اشاره شد یکی از دلایل صلح را می‌توان به دفع «خطر خوارج» دانست. امام حسن(ع) بیم آن داشتند اگر با معاویه به جنگ بپردازند، خوارج از این فرصت به نفع خود بهره برده و در مقابل امام(ع) به مخالفت برخیزند و بر سرزمین‌های اسلامی مسلط شوند، همچنان که خوارج در جنگ نهروان به مقابله با امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) پرداختند. از طرف دیگر، امام حسن(ع) بیم این را هم داشتند که اگر با خوارج به جنگ بپردازند، از سوی دیگر، معاویه از این فرصت سوءاستفاده کرده و بر سرزمین‌های اسلامی و مناطق مختلف جهان اسلام، مسلط شود. امام حسن(ع) خطر همزمان خوارج و معاویه را به‌خوبی درک کرده بودند و با درایت و تدبیر خود، برقراری صلح را بهترین راه حل در این موضوع می‌دانستند.

جامعه اسلامی تحریک می‌شدند. بنابراین امام حسن مجتبی(ع) برای حفظ دین اسلام، با درایت و تدبیر خاص خود به برقراری صلح اقدام کردند.

■ از دیگر مواردی که در خصوص صلح امام حسن(ع) کمتر به آن پرداخته شده، مقوله خوارج است. آن‌ها چه نقشی در تحمیل این صلح به امام حسن(ع) داشتند؟

در این خصوص می‌توان به نامتوازن بودن لشکر امام حسن(ع)، به عنوان دلیل دیگری برای صلح اشاره کرد. سپاه امام(ع) از گروه‌های مختلف عقیدتی و از نژادها و زبان‌های مختلف تشکیل شده بود، حتی برخی از خوارج هم در میان نیروهای امام(ع) حضور داشتند و این خود از دلایل آسیب‌پذیری این سپاه به شمار می‌رفت، یعنی لشکر امام(ع) از یک انسجام و وحدت و اتحاد عقیدتی و عملی جامع و کاملی برخوردار نبود. بنابراین چنین لشکری که ناهماهنگ و نامتوازن بود، تاب مقاومت و نبرد در برابر معاویه و سپاهیانش را نداشت. همان‌طور که اشاره شد یکی از دلایل صلح را می‌توان به دفع «خطر خوارج» دانست. امام حسن(ع) بیم آن داشتند اگر با معاویه به جنگ بپردازند، خوارج از این فرصت به نفع خود بهره برده و در مقابل امام(ع) به مخالفت برخیزند و بر سرزمین‌های اسلامی مسلط شوند، همچنان که خوارج در جنگ نهروان به مقابله با امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) پرداختند. از طرف دیگر، امام حسن(ع) بیم این را هم داشتند که اگر با خوارج به جنگ بپردازند، از سوی دیگر، معاویه از این فرصت سوءاستفاده کرده و بر سرزمین‌های اسلامی و مناطق مختلف جهان اسلام، مسلط شود. امام حسن(ع) خطر همزمان خوارج و معاویه را به‌خوبی درک کرده بودند و با درایت و تدبیر خود، برقراری صلح را بهترین راه حل در این موضوع می‌دانستند.

آگهی دعوت از مالکین مجاورین

احتراماً نظر به اینکه آقای علی محمد آرمند مجوز شهرسازی شماره ۱۰۰۰

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان جنوبی

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان فردوس

نظر به دستور مواد یک و سه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه قانون فوق الذکر املاکی که در هیأت مندرج در قانون مذکور مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان فردوس مورد رسیدگی و رای آن صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

۱ - دولت جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی وزارت آموزش و پروش(اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی) نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان آموزشی ، به مساحت۲۸۵۹/۵۴ متر مربع، از پلاک ۱۳۹۶۷ فرعی(باقیمانده پلاک ۴۵۰۰فرعی) از یک اصلی بخش یک فردوس، خریداری بلاواسطه از مالکیت رسمی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی-محل وقوع ملک: فردوس-خیابان حافظ-حافظ۷-دبستان شهید مرادی

۲ - دولت جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی وزارت آموزش و پروش(اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی) نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان آموزشی ، به مساحت۴۰۰۰ متر مربع، از پلاک ۴۱۱۳ فرعی از یک اصلی بخش یک فردوس، خریداری بلاواسطه از مالکیت رسمی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی- محل وقوع ملک: فردوس-خیابان حافظ-حافظ۲-دبستان ۱۳ آبان

۳- آقای مهدی رحیمیان و خانم طوبی رحیمیان فرزندان عبدالرحیم هرکدام به ترتیب نسبت به چهاردانگ و دودانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی ، به مساحت کل ۱۲۴۴۸/۷۰ متر مربع، پلاک ۲۵۷۲ فرعی از یک اصلی بخش یک فردوس، خریداری ملک مع الواسطه و قهری از مالکیت رسمی عبدالرحیم رحیمیان -- محل وقوع ملک: فردوس – اسلامیه-منطقه معروف به کبوتر کوه

۴- خانم صغری همائی فرزند محمد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی ، به مساحت۲۶۹۸/۴۷متر مربع، از پلاک ۲۲۴-اصلی (اله آباد)بخش یک فردوس،انتقال ملک به صورت قهری از مالک رسمی محمد همائی- محل وقوع ملک: فردوس-اراضی اله آباد

۵- خانم صغری همائی فرزند محمد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی ، به مساحت۴۳۶۰/۶۱متر مربع، از پلاک ۲۲۴- اصلی (اله آباد)بخش یک فردوس،خریداری مع الواسطه از مالک رسمی عبداله همائی- محل وقوع ملک: فردوس-اراضی اله آباد

۶- خانم حبیبه جمالی فرزند علی اکبر نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی ، به مساحت ۱۶۸۹/۹۴ متر مربع، پلاک ۱۶۰۱ فرعی از یک اصلی بخش یک فردوس، خریداری ملک مع الواسطه از مالک رسمی علی اکبر جمالی - محل وقوع ملک: فردوس – اراضی بلده

۷- خانم حبیبه جمالی فرزند علی اکبر نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی ، به مساحت ۱۶۹۸/۱۱ متر مربع، پلاک ۱۶۰۸ فرعی از یک اصلی بخش یک فردوس، خریداری ملک مع الواسطه از مالک رسمی محمد روزبخش - محل وقوع ملک: فردوس – اراضی بلده

۸- خانم راضیه دهقان فرزند غلامرضا نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی ، به مساحت ۳۳۱۷/۸۸ متر مربع، پلاک ۱۶۹۶ فرعی از یک اصلی بخش یک فردوس، خریداری ملک مع الواسطه از مالک رسمی علی اکبر جمالی - محل وقوع ملک: فردوس – اراضی بلده

۹- آقای علی اکبر شبنم زاده فرزند حسین نسبت به ششدانگ یکباب باغ منزل ، به مساحت۱۹۰۳ متر مربع، قسمتی از پلاک ۱۴۸۳ فرعی از یک اصلی بخش یک فردوس، خریداری ملک مع الواسطه از مالکیت رسمی عبدالحسین تقوی -- محل وقوع ملک: فردوس – اسلامیه – خیابان بهارآزادی -نبش بهارآزادی ۲۱

۱۰- آقای ذبیح ملکی فرزند رجبعلی نسبت به ششدانگ یکباب منزل و محوطه متصل به آن ، به مساحت۵۹۸/۴۷ متر مربع، پلاک ۴۵۹ فرعی از دو اصلی بخش یک فردوس، ازمحل مالکیت مشاعی خودشان و خریداری بلاواسطه از مالکیت رسمی عباسعلی رضائی میرزای قلی -- محل وقوع ملک: فردوس – خیابان رسالت

۱۱- آقای محمد شرعی فرزند شعبان نسبت به ششدانگ قسمتی از یکباب ساختمان ، به مساحت۶۷/۱۸ متر مربع، از پلاک ۳۰۶۵- اصلی (شهرقدیم فردوس) بخش یک فردوس، خریداری مع الواسطه از مالکیت رسمی آقای اسداله خادمی و بانو معصومه خانم خادمی -- محل وقوع ملک: فردوس – خیابان رسالت

۱۲- آقای محمد حکمتی فرزند علی اکبر نسبت به ششدانگ یکباب منزل ، به مساحت۳۶۰/۰۳متر مربع، پلاک ۴۲۵- اصلی بخش یک فردوس، از محل مالکیت مشاعی خودشان و خریداری مع الواسطه از مالکیت رسمی شهربانو برزو -- محل وقوع ملک: فردوس –خیابان خواجه عبداله انصاری

۱۳- آقای محمد مهدی اخروی محبی فرزند ابراهیم و آقای مهدی حسینی فرزند محمدعلی هرکدام نسبت به سه دانگ مشاع ازششدانگ یک قطعه زمین مزروعی ، به مساحت کل ۳۰۵۸/۴۲ متر مربع، پلاک ۱۰۱۶ فرعی از یک اصلی بخش یک فردوس، انتقال ملک به صورت قهری و مع الواسطه از مالک رسمی خانم فاطمه نجاتی -- محل وقوع ملک:فردوس – اسلامیه- بلوارانقلاب

۱۴ - آقای علی محمدیان فرزند غلامعلی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان قدیمی ، به مساحت۵۲۸/۷۷ متر مربع، پلاک ۱۲۳۰- اصلی (شهرقدیم فردوس) بخش یک فردوس،ازمحل مالکیت مشاعی خودشان و خریداری مع الواسطه از مالکیت رسمی آقای محمد علی طلائی -- محل وقوع ملک:فردوس – محله سردشت

۱۵- خانم عصمت فاتحی فرزندابراهیم نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب باغمنزل ، به مساحت کل ۱۲۸۴/ ۵۰متر مربع، دارای پلاک ۹۴۵ فرعی از یک اصلی بخش یک فردوس، خریداری مع الواسطه ازمحل مالکیت رسمی آقای محمد اسماعیل معین -- محل وقوع ملک:فردوس – اسلامیه – بلوار انقلاب

۱۶- آقای محمد شاه حوری فرزند محمود نسبت به ششدانگ یکباب مغازه ، به مساحت۲۰/۹۱متر مربع، باقیمانده پلاک ۴۰۲- اصلی واز پلاک ۴۰۴- اصلی (شهرفردوس) بخش یک فردوس، ازمحل مالکیت مشاعی خودشان -- محل وقوع ملک:فردوس – خیابان شهدا- شهدای ۵

۱۷- خانم زهره کمال محبی فرزند سید اسمعیل نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ ، به مساحت۸۴۵ / ۸۹متر مربع، از پلاک ۴۱۱۱ فرعی از یک اصلی بخش یک فردوس، خریداری مع الواسطه از محل مالکیت رسمی آقای حسین عاملی -- محل وقوع ملک:فردوس – اراضی توکل(بلوار دانشجو)

۱۸- خانم طاهره طالب زاده فرزند عزیزاله نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ ، به مساحت۸۴۵ / ۶۶متر مربع، از پلاک ۴۱۱۱ فرعی از یک اصلی بخش یک فردوس، خریداری مع الواسطه از محل مالکیت رسمی آقای حسین عاملی -- محل وقوع ملک:فردوس – اراضی توکل(بلوار دانشجو)

۱۹- خانم فاطمه سادات حجتی وخانم فهیمه سادات حجتی فرزندان سید عباس هرکدام نسبت به سه دانگ مشاع ازششدانگ یکباب مغازه، به مساحت کل۳۳/۸۷متر مربع،از پلاک ۱۱۴۰ فرعی از دو اصلی بخش یک فردوس، انتقال به صورت قهری و مع الواسطه از مالکیت رسمی آقای سید رضا سعید -- محل وقوع ملک: فردوس –خیابان رجائی – رجائی ۱۵

۲۰- آقای سید رضا حجتی فرزند سید عباس نسبت به ششدانگ یکباب مغازه ، به مساحت ۸۷ /۳۳ متر مربع، ازپلاک۱۱۴۰فرعی از ۲- اصلی بخش یک فردوس، انتقال ملک به صورت قهری و مع الواسطه از مالکیت رسمی آقای سید رضا سعید -- محل وقوع ملک: فردوس –خیابان رجائی – رجائی ۱۵

۲۱- آقای سید رضا حجتی فرزند سید عباس نسبت به سه دانگ مشاع و خانمها فاطمه سادات و فهیمه سادات حجتی فرزندان سید عباس هرکدام نسبت یک دانگ و نیم مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی ، به مساحت کل۱۰۲۲۳/۹۰متر مربع ،باقیمانده پلاک ۱۸۰ فرعی از یک اصلی بخش یک فردوس،انتقال ملک به صورت قهری و مع الواسطه از مالکیت رسمی آقای سید حسن تقوی -- محل وقوع ملک: باغستان علیا- حاشیه جوی بلده

۲۲- آقای سید رضا حجتی فرزند سید عباس نسبت به سه دانگ مشاع و خانمها فاطمه سادات و فهیمه سادات حجتی فرزندان سید عباس هرکدام نسبت یک دانگ و نیم مشاع ازششدانگ یکباب منزل ، به مساحت کل۳۴۷/۵۱متر مربع ،از پلاک ۱۱۴۰ فرعی از دو اصلی بخش یک فردوس،انتقال ملک به صورت قهری و مع الواسطه از مالکیت رسمی آقای سید رضا سعید -- محل وقوع ملک: فردوس –خیابان رجائی – رجائی ۱۵

۲۳- آقایان غلامحسین و محمدرضا وخانمها بتول و زهرا و فاطمه شهرت همگی یمنی فرزندان غلامعلی به ترتیب نسبت۱۷۲۲/۳۹سهم (مترمربع)مشاع و ۱۷۲۲/۳۸ سهم (مترمربع)مشاع و۱۴۱۳/۱۴ سهم (مترمربع)مشاع و ۱۴۱۴/۱۲ سهم (مترمربع) مشاع و۱۴۱۹/۸۹ سهم (مترمربع) مشاع از کل ۷۶۹۱/۹۲ سهم (مترمربع)ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی ، پلاک ۸۶۱ فرعی ازیک اصلی بخش یک فردوس، انتقال ملک به صورت قهری از مالکیت رسمی آقای یوسف یمنی وخانم مانده منصوری -- محل وقوع ملک: فردوس- اسلامیه - بلوار آیت اله فردوسی پور- پشت نیروگاه برق

۲۴- آقای ابراهیم محبی فرزند محمد نسبت به ششدانگ اعیان قسمتی از یکباب مغازه ، به مساحت۵۷/۰۱ متر مربع، ازپلاک ۵۱۵ فرعی از دو اصلی بخش یک فردوس، برابر سند اجاره ۹۹/۶۸۴/۷۲۰ -۱۳۹۹/۸/۵ - اداره اوقاف و امورخیریه شهرستان فردوس(موقوفه حاج شیخ علی اصغر واله) -- محل وقوع ملک: فردوس –خیابان رسالت – رسالت ۵

۲۵- آقای سید علی سید احمدی فرزند سید حسین نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی ، به مساحت۴۷۶۱ /۱۲ متر مربع، پلاک ۵۲۰ فرعی از ۳- اصلی بخش یک فردوس، خریداری مع الواسطه از مالکیت رسمی محمود شمسی و خانم نصرت شمسی -- محل وقوع ملک: فردوس –اراضی خداوندی

۲۶- خانم سمیه قنبریان فرزند عبدالحسین نسبت به ششدانگ یکباب باغمنزل ، به مساحت۳۷۶/۹۵متر مربع، از پلاک ۱۲۱۰۵فرعی از یک اصلی بخش یک فردوس، خریداری بلاواسطه از محل مالکیت رسمی آقای عبدالحسین قنبریان- محل وقوع ملک: باغستان علیا-خیابان ولی عضر۳

۲۷- خانم طوبی فرجادی فرزند اسداله نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ ، به مساحت ۱۸۴۳/۶۲ متر مربع، از پلاک ۷۵۲ فرعی از۳- اصلی بخش یک فردوس، خریداری مع الواسطه از مالکیت رسمی سید محمد معزی -- محل وقوع ملک: فردوس – اراضی خداوندی-حاشیه جاده خانکوک

۲۸- آقای فرهاد آزموده فرزند عباسعلی نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ ، به مساحت ۳۹۹۸/۶۹ متر مربع، از پلاک ۷۵۲ فرعی از ۳- اصلی بخش یک فردوس، خریداری مع الواسطه از مالکیت رسمی سید محمد معزی -- محل وقوع ملک: فردوس – اراضی خداوندی-جاده خانکوک

۲۹- خانم سمیه نادری فرزند محمد علی نسبت به ششدانگ یکباب مغازه ، به مساحت ۲۲/۹۱ متر مربع، از پلاک ۴۹۹- اصلی بخش یک فردوس، خریداری مع الواسطه از مالکیت رسمی احمد حسامی-- محل وقوع ملک: فردوس – حاشیه میدان صاحب الزمان(عج)

۳۰- خانم حمیده داودی فرزند حسن رضا نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان، به مساحت ۶۵/۳۰ متر مربع، از پلاک ۱۳۹۶۷ فرعی(باقیمانده۴۵۰۰فرعی) از یک اصلی بخش یک فردوس، خریداری مع الواسطه از محل مالکیت رسمی ذبیح اله خزائیان وخریداری بلاواسطه ازمحل مالکیت رسمی خانم مانده خزائی(ماندگار) -- محل وقوع ملک: فردوس – خیابان همت

۳۱- شهرداری فردوس نسبت به ششدانگ یک قطعه پارک ، به مساحت ۴۲۹/۳۰متر مربع، از پلاک ۵۸۹ فرعی از ۲- اصلی بخش یک فردوس، از محل مالکیت مشاعی خودشان و خریداری مع الواسطه از محل مالکیت رسمی محمد رمضانی اکبری -- محل وقوع ملک: فردوس – جنب کمربندی

به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی این آگهی نسبت به املاک فوق الذکر به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار و محلی آگهی و درصورتی که اشخاص ذی نفع به آراء صادره اعتراضی داشته باشند باید از تاریخ انتشار نوبت اول این آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد واملاک فردوس تحویل دهند و رسید اخذ نمایند، معترضین از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف مدت یک ماه باید دادخواست اعتراض خودرا به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم وگواهی لازم ازمرجع مذکور اخذ و به اداره ثبت اسناد واملاک تسلیم نمایند، در اینصورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه می باشد، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگرددیا معترض،گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسنادواملاک ارائه نکند، اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجع قضائی نیست. آ-۴۰۱۰۸۸۵۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: : ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

محمود جهانی مهر

رئیس اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان فردوس

آگهی آراء هیات حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی قانون یاد شده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیات مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک فاروج مورد رسیدگی و تأیید قرار گرفته جهت اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی) کثیرالانتشار و محلی (بشرح ذیل آگهی می گردد

بخش سه قوچان پلاک ۳ اصلی - اراضی تیول

سه دانگ مشاع از ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۱۰۲ فرعی از ۸۸ فرعی از ۳اصلی فوق به مساحت ۴۰۹۸/۲۸متر مربع ابتیاعی آقای علی حیدرزاده فرزند برات محمد از محل مالکیت رسمی آقای براتعلی قانعی برابر رأی شماره ۱۶۸۷ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۹کلاسه ۱۲۷-۱۴۰۱ هیأت

سه دانگ مشاع از ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۱۰۲ فرعی از ۸۸ فرعی از ۳اصلی فوق به مساحت ۴۰۹۸/۲۸متر مربع ابتیاعی آقای حسن حیدرزاده فرزند برات محمد از محل مالکیت رسمی آقای براتعلی قانعی برابر رأی شماره ۱۶۸۶ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۹کلاسه ۱۲۸-۱۴۰۱ هیأت

بخش سه قوچان پلاک ۴ اصلی - اراضی شکر آباد

ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۴ اصلی فوق به مساحت۱۴۴۵۴/۶۳متر مربع ابتیاعی آقای حسین محمدی صفدر آبادی فرزند علی اکبر از محل مالکیت رسمی آقای علی اکبر محمدی برابر رأی شماره ۱۶۷۱ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۸کلاسه ۱۷۸ - ۱۴۰۱ هیأت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۴ اصلی فوق به مساحت ۴۴۶۱ متر مربع ابتیاعی آقای ذبیح اله محمدی فرزند علی اکبر از محل مالکیت رسمی آقای علی اکبر محمدی برابر رأی شماره ۱۶۰۱ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۲کلاسه ۲۰۷-۱۴۰۱ هیأت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۴ اصلی فوق به مساحت۴۳۳/۴۵متر مربع ابتیاعی آقای ذبیح اله محمدی فرزند علی اکبر از محل مالکیت رسمی آقای علی اکبر محمدی برابر رأی شماره ۱۶۰۲ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۲کلاسه ۲۰۶ - ۱۴۰۱ هیأت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۴ اصلی فوق به مساحت ۵۸۵ متر مربع ابتیاعی آقای ذبیح اله محمدی فرزند علی اکبر از محل مالکیت رسمی آقای علی اکبر محمدی برابر رأی شماره ۱۶۰۳ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۲کلاسه ۲۰۵ - ۱۴۰۱ هیأت

ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۴ اصلی فوق به مساحت۳۵۶۲/۳۱متر مربع ابتیاعی خانم زهرا محمدی صفدر آبادی فرزند علی اکبر از محل مالکیت رسمی آقای علی اکبر محمدی برابر رأی شماره ۱۶۷۰ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۲کلاسه ۱۹۸ - ۱۴۰۱ هیأت ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۴ اصلی فوق به مساحت۱۳۱۰۳/۷متر مربع ابتیاعی آقای احمد محمدی صفدر آبادی فرزند علی اکبر از محل مالکیت رسمی آقای علی اکبر محمدی برابر رأی شماره ۱۶۰۶ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۲کلاسه ۱۷۹ - ۱۴۰۱ هیأت بخش سه قوچان پلاک ۵ اصلی - اراضی محمد آباد

ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۵ اصلی فوق به مساحت۳۶۷۶/۲۶متر مربع ابتیاعی آقای سید اسماعیل حسینی فرزند سید محمد از محل مالکیت رسمی آقای محمد براتیان برابر رأی شماره ۱۴۴۸ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۱۰کلاسه ۱۷۷ - ۱۴۰۱هیأت

ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک ..... فرعی از ۵ اصلی فوق به مساحت۱۵۱۹۱/۶متر مربع ابتیاعی آقای احمد محمدی صفدر آبادی فرزند علی اکبر از محل مالکیت رسمی خانمهاعزت و آسیه اربابیان برابر رأی شماره۱۶۰۵ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۲کلاسه ۱۷۱-۱۴۰۱هیأت

ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۵ اصلی فوق به مساحت ۷۶۹۲ متر مربع ابتیاعی آقای احمد محمدی صفدر آبادی فرزند علی اکبر از محل مالکیت رسمی خانمهاعزت و آسیه اربابیان برابر رأی شماره ۱۶۰۴ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۲کلاسه ۱۸۰ - ۱۴۰۱هیأت

بخش سه قوچان پلاک ۸ اصلی - اراضی جعفر آباد

ششدانگ یک قطعه باغ دارای پلاک ... فرعی از ۸ اصلی فوق به مساحت

۵۱۹۸/۱۹متر مربع ابتیاعی آقای محمدابراهیم غلامزاده فاروجی فرزند رضا از محل مالکیت رسمی مشاعی متقاضی برابر رأی شماره ۱۶۸۵ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۹کلاسه ۱۲۵ - ۱۴۰۱هیأت

ششدانگ یک قطعه باغ دارای پلاک ..... فرعی از ۸ اصلی فوق به مساحت

۱۷۳۶/۴۸متر مربع ابتیاعی آقای موسی الرضا غلامزاده فاروجی فرزند رضا از محل مالکیت رسمی خانم فاطمه نسا وافری برابر رأی شماره ۱۶۹۱ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۳۰کلاسه ۱۲۶ - ۱۴۰۱هیأت ششدانگ یکقطعه باغ دارای پلاک ..... فرعی از ۸ اصلی فوق به مساحت ۵۱۳۲/۶۸متر مربع ابتیاعی آقای علی رضا خدابنده سنگلی فرزند حسین از محل مالکیت رسمی مشاعی متقاضی برابر رأی شماره ۱۶۸۴ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۹کلاسه ۹۱ - ۱۴۰۱هیأت

بخش سه قوچان پلاک ۱۲ اصلی - اراضی مفرنقاه

ششدانگ یکباب ساختمان (ایستگاه تقویت فشار گاز) دارای پلاک ... فرعی از ۳۸۰ فرعی از ۱۲ اصلی فوق به مساحت ۱۱۶۷۰۵/۹۲متر مربع)به استثناء سه بیستم عرصه که متعلق به آستان قدس رضوی می باشد(ابتیاعی شرکت انتقال گاز ایران - منطقه چهار عملیات انتقال گاز از محل مالکیت رسمی مشاعی متقاضی برابر رأی شماره ۱۶۱۲ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۳کلاسه ۱۱۸ - ۱۴۰۰هیأت

بخش سه قوچان پلاک۲۳ اصلی - اراضی ولی آباد

ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک.فرعی از۲۳اصلی فوق به مساحت۱۵۱۹۰/۰۹متر مربع ابتیاعی آقای حسین اصغر عفتی ولی آباد فرزند شکراله از محل مالکیت رسمی آقای محمد ابراهیم خاکشور برابر رأی شماره ۱۶۷۹ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۸کلاسه ۱۰۳ - ۱۴۰۱هیأت

ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک .... فرعی از ۲۳ اصلی فوق به مساحت۳۴۳۰/۳۵متر مربع ابتیاعی آقای حسین اصغر عفتی ولی آباد فرزند شکراله از محل مالکیت رسمی آقای محمدعلی هجرانی برابر رای شماره ۱۶۹۴ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۳۰کلاسه ۱۳۲ - ۱۴۰۱هیأت

بخش سه قوچان پلاک ۲۴ اصلی - اراضی کلاته ولی آباد

ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۲۴ اصلی فوق به مساحت۱۴۲۳۸/۷متر مربع ابتیاعی آقای حسین عفتی ولی آباد فرزند ابراهیم از محل مالکیت رسمی آقای علی اکبر خاکشور برابر رأی شماره ۱۶۸۰ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۸کلاسه ۲۰۰ - ۱۴۰۱هیأت

بخش سه قوچان پلاک۲۵ اصلی - اراضی جعفر آباد سفلی

ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک » فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت۱۱۴۵۲/۷۸متر مربع ابتیاعی آقای مسلم زارعی فرزند حسن از محل مالکیت رسمی آقای ملک محمد اسحاقی برابر رأی شماره ۱۴۴۹ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۱۰کلاسه ۱۴۲-۱۴۰۱ هیأت

ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت۶۰۳۳/۵۳متر مربع ابتیاعی آقای مسلم زارعی فرزند حسن از محل مالکیت رسمی آقای ملک محمد اسحاقی برابر رأی شماره ۱۴۵۰ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۱۰ کلاسه ۱۴۳-۱۴۰۱ هیأت

ششدانگیکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت۱۱۵۵/۲۷متر مربع ابتیاعی آقای مسلم زارعی فرزند حسن از محل مالکیت رسمی آقای ملک محمد اسحاقی برابر رأی شماره ۱۴۵۱ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۱۰کلاسه ۱۴۴-۱۴۰۱ هیأت

ششدانگیکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت۷۷۳۱/۵۶متر مربع ابتیاعی آقای علیرضا غدیری جعفر آباد فرزند حسین از محل مالکیت رسمی آقای محمدولی عظیمی برابر رأی شماره ۱۴۵۵ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۱۰کلاسه ۱۲۳-۱۴۰۱ هیأت

ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت۱۵۶۷/۴۹متر مربع ابتیاعی آقای علیرضا غدیری جعفر آباد فرزند حسین از محل مالکیت رسمی آقای محمدولی عظیمی برابر رأی شماره ۱۴۵۴ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۱۰کلاسه ۱۲۱-۱۴۰۱ هیأت

ششدانگیکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک... فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت۱۴۶۲۷/۶۷متر مربع ابتیاعی آقای علیرضا غدیری جعفر آباد فرزند حسین از محل مالکیت رسمی آقای غلامرضا عطری برابر رأی شماره ۱۴۵۳ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۱۰کلاسه ۱۳۰-۱۴۰۱ هیأت

ششدانگیکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت۱۶۱۱/۲۹متر مربع ابتیاعی آقای علیرضا غدیری جعفر آباد فرزند حسین از محل مالکیت رسمی آقای محمدولی عظیمی برابر رأی شماره ۱۴۵۶ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۱۰کلاسه ۱۲۲-۱۴۰۱ هیأت

ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت۱۷۴۴۶/۵۳متر مربع ابتیاعی آقای علیرضا غدیری جعفر آباد فرزند حسین از محل مالکیت رسمی آقای غلامرضا عطری برابر رأی شماره ۱۴۵۲ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۱۰کلاسه ۱۱۳-۱۴۰۱ هیأت

ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک .... فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت ۱۶۶۷۱۸۱ متر مربع ابتیاعی خانم شیرین حلواچیان فرزند حیدر از محل مالکیت رسمی آقای براتعلی محمدی برابر رأی شماره ۱۵۷۶ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۱۹کلاسه ۱۶۲-۱۴۰۱ هیأت

ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... ۵۹۶۶/۴۸ سهم مشاع از۱۱۹۳۲/۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت ۱۱۹۳۲/۹۶

متر مربع ابتیاعی آقای غلامحسین اعتدالی فرزند محمدقلی از محل مالکیت رسمی آقای محمدقلی اعتدالی برابر رأی شماره ۱۵۷۲ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۱۷کلاسه ۱۱۴-۱۴۰۱ هیأت

۳۰۲۲/۴۴ سهم مشاع از۱۲۰۹۳/۷۹سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت ۱۲۰۹۳/۷۹

متر مربع ابتیاعی آقای غلامحسین اعتدالی فرزند محمدقلی از محل مالکیت رسمی آقای محمدقلی اعتدالی برابر رأی شماره ۱۵۷۳ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۱۷کلاسه ۱۰۲-۱۴۰۱ هیأت

۳۰۲۳/۴۴ سهم مشاع از۱۲۰۹۳/۷۹سهم ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت ۱۲۰۹۳/۷۹متر مربع ابتیاعی آقای حسن اعتدالی فرزند محمدقلی از محل مالکیت رسمی آقای محمدقلی اعتدالی برابر رأی شماره ۱۵۸۰ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۱۷کلاسه ۱۰۸-۱۴۰۱ هیأت

سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت۳۴۷۳/۷۱متر مربع حسن اعتدالی فرزندمحمدقلی از محل مالکیت رسمی آقای محمدقلی اعتدالی برابر رأی شماره ۱۵۸۱ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۰کلاسه ۱۰۷-۱۴۰۱ هیأت

سه دانگ مشاع از ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک .... فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت۹۱۴۶/۹۵ متر مربع ابتیاعی آقای حسن اعتدالی فرزند محمدقلی از محل مالکیت رسمی آقای محمدقلی اعتدالی برابر رأی شماره ۱۵۸۳ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۰کلاسه ۱۱۷-۱۴۰۱ هیأت

ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت۹۹۸۹/۲۰متر مربع ابتیاعی آقای محمود دارابی فرزند محمد ابراهیم از محل مالکیت رسمی آقای محمدعلی دارابی برابر رأی شماره ۱۶۷۶ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۸کلاسه ۱۳۳-۱۴۰۱ هیأت

ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک ... فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت۲۲۶۳/۷۷متر مربع ابتیاعی آقای محمود دارابی فرزند محمد ابراهیم از محل مالکیت رسمی آقای محمدعلی دارابی برابر رأی شماره ۱۶۷۵ -۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰ ۱۴۰۱/۰۶/۲۸کلاسه ۱۰۹-۱۴۰۱ هیأت

ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک . فرعی از ۲۵ اصلی فوق به مساحت۱۲۰۰۱/۶۶

متر مربع ابتیاعی خانم نرگس دارابی فرزند محمد ابراهیم از محل مالکیت رسمی آقای محمدع